

ترور فرمانده حزب الله لبنان

خاور میانه در چند قدمی جنگ تمام‌عیار

احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

در حالی که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا مشغول رابرتی با رهبران کشورهای خاورمیانه به قصد جلوگیری از گسترش جنگ در منطقه است، ارتش اسرائیل با ترور وسام حسن طویل یکی از رهبران نظامی حزب‌الله در داخل خاک لبنان، خاورمیانه را چند گام دیگر به جنگی فراگیر نزدیک‌تر کرد. از ابتدای حمله زمینی اسرائیل به نوار غزه، جنگی کنترل شده و محدود بین اسرائیل و حزب‌الله نیز در گرفته است. با آنکه حملات متقابل در سه ماه گذشته بین دو طرف ادامه داشته اما تا این لحظه هنوز جنگی تمام‌عیار بین آنها رخ نداده است. واشنگتن‌پست به نقل از مقام‌های ناشناس آمریکایی گزارش داده است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برای ادامه حیات سیاسی خود، درصدد گشودن جبهه جنگ تازه‌ای علیه لبنان است چراکه با فروکش کردن جنگ در نوار غزه، حفظ پست نخست‌وزیری برای او دشوار خواهد شد. نتانیاهو در داخل اسرائیل تحت فشار اپوزیسیون است تا از مقام خود استعفا دهد، با این حال، بنی گانتز، رهبر حزب اتحاد ملی که به کابینه جنگ پیوسته، اعلام کرده است که مسئله مرزهای شمالی اسرائیل، مسئله تمام اعضای کابینه است و فقط به خواست نتانیاهو منصرف نمی‌شود.

در سایه تبادل آتش بین اسرائیل و حزب‌الله، ده‌ها هزار نفر در دو سوی مرز مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. نگهداری از خانواده‌های آواره به‌خصوص برای اسرائیل که آنها را در هتل‌های شهرهای مرکزی اسکان داده، پرهزینه است و از همین رو، عموم سران اسرائیل خواهان ایجاد ثبات در مرزهای شمالی برای بازگشت آنها هستند.

به واقع اسرائیل خواهان عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله از مناطق جنوبی به شمال رودخانه لبنانی در ۲۰ کیلومتری مرز مشترک با لبنان است و آن را بخشی از قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل می‌داند. در مقابل، حزب‌الله در پی فشار بر اسرائیل برای پایان دادن به جنگ خونین علیه نوار غزه است. تاکنون هیچ کدام از طرفین، خود را مشتاق آغاز جنگی تمام‌عیار نشان نداده‌اند، با این همه، تهدیدهای لفظی دوجانبه روز بروز تشدید می‌شود. مقام‌های اسرائیلی گرچه خود را حامی راه‌حلی دیپلماتیک برای دور نگه داشتن لبنان از جنگ نشان می‌دهند اما به‌طور مرتب تهدید می‌کنند که در صورت آغاز جنگ، بیروت به غزه‌ای دیگر تبدیل خواهد شد. سیدحسن نصرالله نیز گرچه نشانه‌ای از علاقه خود به جنگی فراگیر با اسرائیل نشان نداده، اما بارها اعلام کرده است که اگر آتش جنگ شعله‌ور شود، حزب‌الله به‌هیچ مرز و قاعده و محدودیتی برای ادامه آن تن در نخواهد داد. با این همه، اسرائیل هفته پیش با ترور شیخ صالح العاروری از رهبران بلندپایه حماس در حوزه امنیتی حزب‌الله در حاشیه جنوبی بیروت، به گفته نصرالله از «خطوط قرمز» عبور کرد. آقای نصرالله اعلام کرد که این ترور نمی‌تواند بدون پاسخ بماند و متعاقب آن، نیروهای حزب‌الله ده‌ها راکت به سمت پایگاه ترافیک هوایی شمال اسرائیل شلیک کردند.

اینک اما اسرائیل با ترور حسن وسام طویل، گامی بلند به‌سوی تشدید جنگ با حزب‌الله برداشته است. حزب‌الله قاعدتا از پاسخ به این حمله خودداری نخواهد کرد و این نیز به نوبه خود خطر بروز جنگ تمام‌عیار را افزایش خواهد داد.

در واقع، جنگ محدود جاری بین حزب‌الله و اسرائیل ریشه در جنگ نوار غزه دارد. تا هنگامی که آتش جنگ در نوار غزه روشن باشد، حزب‌الله لبنان به دلایل عمدتاً حیثیتی نمی‌تواند به حملات پراکنده خود علیه اسرائیل خاتمه دهد. این بدان معناست که در حال حاضر، راه حل دیپلماتیک برای خاموش کردن غرش سلاح‌ها در مرز شمالی اسرائیل بدون وجود راه‌حلی برای خاتمه جنگ در نوار غزه امکان‌پذیر نیست. جنگ در نوار غزه نیز گرچه ممکن است وارد مراحل کم‌شدتی شود، اما تا این لحظه هیچ چشم‌اندازی برای خاتمه آن وجود ندارد. مقام‌های اسرائیلی از ادامه جنگ تا انتهای سال جاری میلادی سخن به میان آورده‌اند. در این مورد، اجماعی بی‌سابقه بین عموم احزاب اسرائیل به وجود آمده و همین موضوع، هرنوع گرایش به خاتمه جنگ بدون دستیابی کامل به اهداف اعلام‌شده آن را به کاری بی‌نهایت پرهزینه و چپساز غیرممکن برای هر دولتی در اسرائیل تبدیل کرده است. بدین ترتیب، اگر حزب‌الله و اسرائیل به صورتی ناخوشه درباره حدود و ثغور جنگی محدود و پراکنده با هم به توافق نرسند، در آن صورت فقط دو راه باقی می‌ماند، راه نخست، بی‌تفاوتی حزب‌الله به سرنوشت حماس در نوار غزه و تن دادن به راه‌حلی دیپلماتیک برای عقب‌نشینی نیروها از مناطق مرزی است. این راه حل ضربه‌ای حیثیتی به حزب‌الله وارد می‌کند و به همین جهت بعید است به آن تن در دهد.

راه دوم، بروز جنگی فراگیر و تمام‌عیار بین دو طرف است. چنین جنگی علاوه بر آثار ویرانگر همه‌جانبه آن، سرنوشتی قابل پیش‌بینی ندارد و چه بسا تمام منطقه را درگیر جنگی خانمانسوز کند. در حقیقت، نوع واکنش جمهوری اسلامی به جنگ تمام‌عیار بین حزب‌الله و اسرائیل، ابعاد جنگ احتمالی فراگیر را تا حدودی روشن خواهد کرد. گویی با گذشت بیش از سه ماه از عملیات ۷ اکتبر حماس، جعبه پاندورای خاورمیانه بار دیگر در معرض گشودن است. اسرائیلی‌ها تصور می‌کنند که از درون جعبه، کم و بیش اطلاع دارند و به همین جهت، از باز شدن آن خیلی بیمناک به‌نظر نمی‌رسند. با این حال، جعبه پاندورا چیزی نیست که بتوان از بیرون آن به اطلاعات درونش دست یافت. با این وضع فقط می‌توان دعا کرد که راه‌حلی جادویی و فوری برای خاتمه جنگ در نوار غزه پیدا شود!



## نگاه تحلیلی

فردریک کمپه

رئیس اندیشکده شورای آتلانتیک



به سختی می‌توان حدس زد که در سال آینده، چه تحولاتی و تا چه حدی بر مجموعه‌ای از کشورها و ارزش‌ها تأثیر گذاشته و چه نوع آینده‌ای را برای جهان شکل می‌دهند. تا جایی که به یاد داریم، هیچ‌وقت شرایط اینگونه نبوده که رویدادهایی در جهان همه به‌طور هم‌زمان رخ دهند؛ جنگ در اروپا و خاورمیانه، تنش‌های زیاد بین ایالات متحده و چین، سرعت یافتن رقابت‌های تکنولوژیکی و تقویم شلوغ انتخابات‌ها در سراسر جهان و در نهایت، انتخابات نفرقه‌برانگیز و جنجالی ریاست‌جمهوری در آمریکا، همه در سال ۲۰۲۴ رخ می‌دهند. اگر بخواهیم وضعیت را در سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی کنیم، ابتدا باید از فهرست‌بندی سالانه و ارزیابی‌های معمول ریسک در سال آینده، فراتر برویم. برخی مقامات ارشد دولت بایدن، که من در روزهای پایانی سال ۲۰۲۳ با آنها صحبت کردم، خوب می‌دانند که باید این چالش‌ها را مدیریت کنند و اگر بخواهند امسال را با موفقیت به پایان برسانند، باید ارتباط میان این چالش‌ها را به‌خوبی درک کنند. مقامات دولت بایدن که من با آنها صحبت کردم تمایلی ندارند که نامی از آنها برده شود؛ مسائل را تقریباً به پنج دسته تقسیم می‌کنند؛ چیزی که مدیریت سال آینده را بسیار پیچیده می‌کند این است که هیچ‌یک از این مسائل را نمی‌توان به راحتی از دیگری جدا کرد و هیچ‌یک را نمی‌توان بدون پرداخت هزینه سنگین حل و فصل کرد. در مقاله‌ام سعی کرده‌ام درک خود را از ساختار تفکر مقامات دولت بایدن در مورد این چالش‌ها شرح دهم. شاید شما هم با من موافق باشید که این دوره تاریخی نیازمند تفکر و اقدامات جدی است. بدون تفکر و اقدام، این هرج و مرج است که ممکن است بر آینده ما حاکم شود.

## روسیه و اوکراین

از نظر مقامات دولت جو بایدن، اوکراین باید در سومین سال جنگ با روسیه با حفظ و تمرکز منابع نظامی خود در جنوب، دریای سیاه و کریمه، نبض میدان نبرد را دوباره به دست آورد. مقاماتی که با آنها صحبت کردم بر این باورند که بعید است اوکراین در جنگ خود در سال ۲۰۲۴ پیروز شود، بنابراین در عین حال باید از شکست خوردن اجتناب کرده و در عین حال دستوردهای واقعی داشته باشد. مهمتر از همه، اوکراین باید شبه‌جزیره کریمه‌ی تحت کنترل مسکو را از یک دارایی استراتژیک روسیه به یک نقطه آسیب‌پذیر تبدیل کند. برای کمک به دستیابی به این هدف، کی‌یف باید دستوردهای اخیر خود را در دریای سیاه گسترش داده و یک تلاش نظامی هماهنگ در جنوب صورت دهد و در عین حال شمال و شرق خود را حفظ کرده و از آن دفاع کند. این سطح از موفقیت، مستلزم حمایت مستمر و پایدار مالی و نظامی آمریکا و اروپا است و بدون بر خور داری از این کمک‌ها، گزینه‌های پیش روی اوکراین صرفاً دفاعی خواهند بود.

## چین و شرق آسیا

به گفته مقامات دولت بایدن، ایالات متحده باید تلاش کند تا روابط خود را با چین پس از دستوردهای یک سال گذشته تثبیت کرده و در عین حال به ایجاد روابط قوی‌تر با همه شرکای منطقه‌ای ایالات متحده در جنوب شرق آسیا ادامه دهد. برای انجام این کار، ایالات متحده به‌طور هم‌زمان باید یکسری از خطرات را مدیریت کند، زیرا کره شمالی یک موشک بالستیک قاره‌پیما را یک هفته پیش از کریسمس آزمایش کرده و انتخابات تایوان هم در پیش است که نتیجه‌اش به‌طور بالقوه واکنش چین را بر خواهد انگیزد. علاوه بر این، امکان وقوع یک رویداد «غیر خطی» در دریای چین جنوبی مانند غرق شدن یک کشتی یا تجاوز به مرزهای مورد مناقشه، می‌تواند یک تنش بالقوه ایجاد کند.

## اسرائیل، غزه و خاور میانه بزرگ

واشنگتن باید از تشدید تنش مناقشه اسرائیل و حماس که به شکلی عمیق‌تر به رویارویی ایالات متحده با ایران می‌انجامد، اجتناب کند و این امر آسان نخواهد بود. تنش‌های اخیر در دریای سرخ نشان داده، محقق کردن این هدف آسان نیست. نیروی دریایی ایالات متحده کشتی‌های نیروهای حوثی مورد حمایت ایران را غرق کرده و تهران نیز یک کشتی جنگی را در دریای سرخ مستقر کرده است اما فراتر

از این، مقامات دولت بایدن می‌خواهند اسرائیل و عربستان سعودی را به مسیر عادی‌سازی روابط که پس از حملات حماس در ۷ اکتبر رها شده بود، بازگردانند. برای دستیابی به این نتیجه، اسرائیل باید در آینده فرمولی را برای تشکیل کشور فلسطینی بپذیرد تا بتوان بحران کنونی را خنثی کرد. برای اینکه اسرائیل این فرمول را بپذیرد، باید بداند که موجودیت درازمدتش به‌عنوان یک کشور به همان اندازه که به نابود کردن حماس بستگی دارد، به دستیابی به صلح پایدار و عادی‌سازی روابط با همسایگان عرب میانه‌رو نیز بستگی دارد. یکی از مقامات دولت بایدن، سال ۲۰۲۴ را به‌عنوان «سالی که در آن ساعت برای اجرای بازی عادی‌سازی روابط تیک تاک می‌کند» توصیف کرد. هر چه انتخابات آمریکا نزدیکتر می‌شود، کابینه اسرائیل در زمان نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار می‌شود، به‌خصوص اگر طرف اسرائیلی به این نتیجه برسد که برنده انتخابات آمریکا دونالد ترامپ خواهد بود.

## مسابقه تکنولوژیکی

دولت بایدن مطمئن است که ایالات متحده می‌تواند در رقابت در زمینه هوش مصنوعی، با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در سال ۲۰۲۳، پیروز شود؛ به‌گونه‌ای که از مشاغل و ارزش‌های ایالات متحده محافظت کرده و در عین حال با شرکای جهانی برای ایجاد استانداردهای نظارتی مشترک برای این فناوری همکاری کند. جایی که مقامات دولت بایدن بیشتر نگرانش هستند و در نتیجه تلاش‌های بیشتری را در سال ۲۰۲۴ انجام خواهند داد، پرداختن به پیشروی چین در زمینه فناوری‌های پاک است؛ از وسایل نقلیه الکترونیکی گرفته و انرژی خورشیدی تا باتری‌های پیشرفته و کنترل مواد معدنی حیاتی، که برای مدیریت این وضعیت ضروری است.

## چالش‌های انتخاباتی

مقامات دولت بایدن به ندرت گفت‌وگویی با شرکای بین‌المللی خود دارند که در آن به موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ و تأثیرش بر روندها و طیف گسترده‌ای از مسائل جهانی، پرداخته شود. دشمنانی مانند ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، سعی خواهند کرد تا سال ۲۰۲۴ منتظر بمانند، به این امید که حمایت ایالات متحده از اوکراین کمتر شود. بسیاری از کشورهای اروپایی با توجه به بدبینی دونالد ترامپ نسبت به ناتو و انتقاداتش از شرکای اروپایی آمریکا، نگران هستند مبادا او دوباره به قدرت برسد. دیپلمات‌های اکثر کشورها، با هر کسی که حدس می‌زنند ممکن است در یک دولت جمهوری خواه بیشترین تأثیر را داشته باشد ملاقات می‌کنند و در عین حال نزدیک‌ترین روابط ممکن را با مقامات دولت بایدن حفظ می‌کنند. من یکی از کسانی بوده‌ام که استدلال کرده‌ام دولت آمریکا با توجه به مخاطرات تاریخی این چالش‌ها و با توجه به اینکه جو بایدن ممکن است رئیس‌جمهوری یک دوره‌ای باشد، به اندازه کافی جسورانه و دوراندیش عمل نمی‌کند. مقامات دولت بایدن استدلال می‌کنند که برخلاف دوره پس از جنگ جهانی دوم و حتی جنگ سرد، چندین عامل که قبلاً به ایالات متحده اجازه می‌داد تا وقایع را در سراسر جهان دیکته کند، دیگر وجود ندارند. به‌عنوان مثال، در پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده نیمی از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده بود و دو دشمن اصلی‌اش ضعیف شده بودند و جنوب جهانی نیز یک نیروی سیاسی فعال جهانی، به مانند امروز، نبود. علاوه بر این، صنعتی شدن جهان نیز به نفع ایالات متحده بود. یکی از مقامات ارشد دولت ایالات

